

رهیافتی بر ساختار و کارکردهای دیوان وکالت در عصر امام حسن عسگری (ع)

عباسعلی فراهتی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

a.farahati@gmail.com

لیلا زارعی شهامت (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۲۰

تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

امام حسن عسگری (ع)، در مدت کوتاه امامت خویش، با سه تن از خلفای عباسی معاصر بود. آنان از هر سو آن حضرت (ع) را تحت کنترل داشتند. شرایط بحرانی که ائمه (ع) در زمان عباسیان با آن رو به رو شدند ایشان را واداشت تا ابزار جدیدی را برای ارتباطات با اعضای جامعه‌ی خود جستجو کنند. وظایف این نهاد به امور مالی محدود نبود؛ وظایف ارشادی، ارتباطی و سیاسی را نیز شامل می‌شود. نظام زیرزمینی ارتباطات (دیوان وکالت) از عصر امامت امام باقر (ع) آغاز و این سازمان به طور مداوم و مستمر تا عصر غیبت کبری به فعالیت خود ادامه داد. به این معنا که در عصر هیچ یک از ائمه کار این نهاد به تعطیلی کشیده نشد. دوران منتهی به عصر غیبت به ویژه عصر امام حسن عسگری (ع) یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین دوران فعالیت این نهاد است. در این تحقیق تلاش شده‌است با روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی ساختار و کارکرد سازمان وکالت در عصر امام حسن عسگری (ع)، و نقش آن حضرت (ع) در تقویت آن مورد بررسی قرارگیرد. برآیند این پژوهش حاکی از آن است که در رأس این سازمان امام حسن عسگری قرارداشت سپس عثمان بن عمر به عنوان وکیل ارشد؛ و برخی از برجسته‌ترین وکلای ایشان به عنوان دستیار وکیل ارشد، وکالت نواحی مختلف را برعهده داشتند؛ و بالاخره وکلای محلی در شهرهای و نواحی مختلف شیعه‌نشین در قاعده هرم قرارداشتند.

واژگان کلیدی: امام حسن عسگری (ع)، سازمان وکالت، شیعیان، خلافت عباسی، وکلا

مقدمه

سازمان وکالت، نام تشکیلاتی است که امامان شیعه (ع) در عصر خود به دلیل خفقان شدید دوران بنی عباس تأسیس کرده بودند. این سازمان نقش مهم و تعیین کننده در جهت پیش برد اهداف ائمه (علیهم السلام) داشته است. شناخت این نهاد، تبیین و تحلیل عملکرد آن، یکی از زوایای ناشناخته زندگانی امامان معصوم (علیهم السلام) را به نمایش می گذارد. اختناق شدیدی که در دوران آخرین ائمه (ع) اعمال می گردید، باعث شد گزارشات کمی از فعالیت های گسترده سیاسی و اجتماعی آن ائمه (ع) به دست ما برسد. از این رو ضروری است که اقدامات ائمه اطهار، از این زاویه مورد بررسی قرارگیرد. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در این زمینه به مطالعه ی کتب تاریخی، رجال و روایی و بررسی مطالعات مرتبط در این زمینه پرداخته شد.

پرسش هایی که این مقاله در صدد پاسخ گویی به آن است عبارتند از: نقش امام حسن عسگری (ع) در تأسیس سازمان وکالت چه بوده است؟ و وکلای ممدوح و مذموم آن حضرت (ع) چه تعداد و دارای چگونه شخصیت و عملکردی بودند؟ از جمله پژوهش های انجام شده در این زمینه می توان به دو عنوان مقاله اشاره کرد: ساختار سازمان وکالت در عصر امام هادی (ع) و کارکردهای آن نوشته لاله اکبری مقدم، و امام کاظم (ع) و سازمان وکالت به نگارش محمد رضا جباری و نیز کتاب سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام) اثر محمد رضا جباری. با وجود تحقیقات انجام شده درباره سازمان وکالت و از آنجایی که پژوهشی به صورت جداگانه به سازمان وکالت در عصر امام حسن عسگری (ع) نپرداخته است نگارنده بر آن شد که بررسی و بازنگری کارکرد دیوان وکالت در عصر این امام همام بپردازد. این تحقیق شامل وضعیت دوران امامت امام حسن عسگری (ع)، تاریخچه تشکیل سازمان وکالت، علل تشکیل آن، ساختار سازمان وکالت در عصر امام حسن عسگری (ع) و کارکردهای نهاد وکالت است.

وضعیت دوران امامت امام حسن عسگری (ع)

ابومحمد حسن بن علی، امام یازدهم از ائمه شیعه (ع)، در روز هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ هجری در شهر تاریخی و پایگاه نشر اسلام مدینه در خانه ی امام هادی دهمین پیشوای جهان اسلام از یک مادر دانشمند و پرفضیلت دیده به جهان گشود مادرش بانویی صالحه و عارفه به نام سوسن، حدیثه یا سلیل بود که بانوان مدینه از محضر پرفیض او بهره های علمی می بردند. نامی که برای این مولود انتخاب گردید همتای نام جد بزرگوارش امام حسن مجتبی بود که تجدیدکننده

خاطرات نخستین ثمره‌ی باغ پر بار رسالت است. از آن جا که امام یازدهم (ع)، همراه با پدر بزرگوارشان، به شهر سامرا، پایتخت خلافت عباسی، منتقل شده، و در آن جا در محله‌ی عسگر سکونت اجباری داشتند «عسگری» نامیده شدند. کینه ایشان «ابومحمد» و بیشتر مردم، آن حضرت و پدر و جدّ ایشان را ملقب به «ابن الرضا» (فرزند امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام) می‌نامیدند. از دیگر القاب آن حضرت، زکی به معنی پاکیزه است (اسلامی، ۱۳۸۲: ۱۹۴).

مدت کوتاه حیات امام به سه دوره‌ی مشخص تقسیم می‌گردد: پنج سال در حجاز در شهر زادگاه خود در حضور و مراقبت پدر بزرگوارش، شانزده سال در عراق قبل از دوران امامت و پیشوائی، هفت سال دوران کوتاه و پر بار امامت و زعامت در عراق. ایشان در هشتم ربیع‌الاول سال ۲۶۰ق در سن بیست و هشت سالگی دار فانی را وداع گفت (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲: ۳۱۳).

امام حسن عسگری (ع)، در مدت کوتاه امامت خویش، با سه تن از خلفای ظالم عباسی معاصر بودند. این سه تن عبارت‌اند از: معتز (فرزند متوکل) حدود چهار سال (۲۵۲-۲۵۵)، مهدی یازده ماه (۲۵۵-۲۵۶) و معتمد (فرزند متوکل) بیست و سه سال (۲۵۶-۲۷۹). فشار و اختناق در مورد پیشوای یازدهم فوق‌العاده شدید بود و از هر طرف آن حضرت را تحت کنترل و نظارت داشتند. حکومت عباسی به قدری از نفوذ و موقعیت مهم اجتماعی امام نگران بودند که امام (ع) ناگزیر بود، هر هفته روزهای دوشنبه و پنجشنبه در دربار حاضر شود (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۴: ۴۳۴). شرایط بحرانی که ائمه (ع) در عصر عباسی با آن مواجه بودند آنان را واداشت تا ابزار جدیدی را برای ارتباط با اعضای جامعه‌ی خود جستجو کنند.

تعریف لغوی و اصطلاح وکالت

«وکالت» در لغت به معنای ناتوانی از انجام مستقیم یک کار، و اعتماد بر دیگری در آن کار است (ابن فارس، بی‌تا، ج ۶: ۱۳۶)؛ و در اصطلاح -«هو تفویض امر الی الغير لیعمل له حال حیاته او ارجاع تمشیه امر من الامور الیه له حالها و هی عقد یحتاج الی الایجاب»- وکالت آن است که شخصی در حال حیات خود برخی امور را به دیگران واگذار کند تا برایش انجام دهند یا در حال حیاتش راه اندازی امری از امورش را به دیگران واگذار کند و وکالت عقدی است که محتاج ایجاب است (خمنی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۳۹). با دقت در معنای لغوی و اصطلاحی واژه وکالت می‌توان چنین استنباط کرد که در معنای آن نوعی عجز از انجام مستقیم کار نهفته است و موکل با وجود این که مجاز به انجام کاری است زمانی اقدام به تعیین وکیل می‌نماید که به دلایلی قادر به انجام مستقیم کار نمی‌باشد. ائمه نیز به دلیل اختناق فضای حاکم، گسترده‌ی سرزمین‌های اسلامی و

پراکندگی جمعیت شیعه و... اقدام به تعیین وکیل می نمودند؛ و همین واژه را برای نمایندگان به کار می بردند، چنان که امام حسن عسگری(ع) به عثمان بن سعید فرمود: «امض یا عثمان فانک الوکیل و الثقة المأمون علی مال الله» (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶).

تاریخچه تشکیل سازمان وکالت

۱. آغاز و شکل گیری سازمان: به عقیده نگارنده آغاز شکل گیری این نهاد مربوط به عصر امام باقر(ع) است. ایشان در سال ۱۱۳ هجری قمری فرزندش سلطان بن علی بن باقر را به عنوان اولین سفیر اهل بیت در ایران به درخواست مردم کاشان به این شهر اعزام کردند. نام وی به عنوان نایب خاص امامان پنجم و ششم(ع)؛ در منطقه فین کاشان ذکر شده است (زجاجی، ۱۳۷۸: ۵۲).

۲. تقویت و گسترش فعالیت سازمان: این مرحله از زمان امام صادق (ع) آغاز شد و تا پایان دوره امامت امام جواد(ع) ادامه یافت.

۳. تکامل نهاد وکالت: در زمان امامین عسگریین(ع) فعالیت سازمان با توجه به عوامل و زمینه های خاص این دوره که در آستانه غیبت بود تکامل یافت (جباری، ۱۳۸۲: ۶۵).

۴. اوج فعالیت سازمان وکالت: عصر غیبت صغری (۲۵۵-۳۲۹ق) نقطه اوج فعالیت نهاد است (پور سید آقایی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۳۳). در این مرحله، نواب چهارگانه به علت عدم حضور ولی عصر(عج)، در رأس سازمان و واسطه بین امام(ع) و سایر وکلا بودند.

۵. پایان کار سازمان: با مرگ نایب چهارم امام (عج)؛ (علی بن محمد سمري) و شروع غیبت کبری فعالیت سازمان وکالت نیز به پایان رسید.

علل تشکیل سازمان وکالت

در مورد دلایل تشکیل سازمان وکالت، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

^۱ - ذکر این نکته ضروری است که پایان کار سازمان به معنی سقوط و انحطاط نیست. با فرا رسیدن عصر غیبت و عدم حضور امام (ع) مأموریت سازمان خاتمه یافته بود و وجود آن موضوعیتی نداشت.

۱. لزوم ارتباط بین رهبر و پیروان: یکی از عوامل اساسی ایجاد این نهاد لزوم ارتباط بین امامان معصوم و پیروان آنهاست. بنابراین کسانی از سوی ائمه، تعیین می‌شدند تا به عنوان وکلای آنان، با شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند. این مسأله زمانی روشن‌تر می‌شود که به گستردگی عالم اسلامی در آن عصر و پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب توجه کنیم (همان: ۲۳۵). از آنجایی که همه شیعیان، توانایی مسافرت به مدینه و سایر شهرهای اقامتی امامان را نداشتند، پس لازم بود کسانی به عنوان نمایندگان و افراد مورد اعتماد ائمه (ع)، شناخته شده و به مناطق دور و نزدیک اعزام و رابط بین رهبری و پیروانش باشند.

۲. خفقان حکومت عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام: هر چند وجود خفقان را نمی‌توان علت اصلی تشکیل نهاد وکالت دانست، ولی به طور قطع، این مسأله، علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش و توسعه آن بوده‌است. امام عسگری (ع) بر اثر فشارهای عباسیان، امکان ارتباط با شیعیان را نداشت و در یکی از روزها هنگام رفت و آمد هفتگی نزد خلیفه ضمن توقیعی فرمودند: کسی بر من سلام و حتی اشاره هم به طرف من نکند؛ زیرا در امان نیستید (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۳۹). البته فشار خلفا عباسی به امامان (ع) محدود نمی‌شد، بلکه پیروان ایشان نیز، هراز چند گاه توسط حکام زندانی یا به قتل می‌رسیدند. ظلم عباسیان به آن‌جا رسیده بود که منصور اجساد قربانیان علوی را به عنوان میراث در اتفاقی در بسته برای فرزندش مهدی گذاشته‌بود (مقریزی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۰۳).

۳. آماده‌سازی شیعیان برای عصر غیبت: یکی دیگر از وجوه روی‌آوری ائمه (علیهم السلام)، به تشکیل این نهاد، آماده‌سازی شیعیان برای پذیرش وضعیت جدید در عصر غیبت بود؛ عصری که شیعه در آن جز از طریق سفرا و وکلای امام، امکان ارتباط با ایشان را نداشت. با توجه به همین حقیقت بود که هر چه شیعه به عصر غیبت نزدیک‌تر می‌شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می‌گشت و در مقابل، نهاد وکالت نیز تقویت می‌شد تا حدی که در زمان امامین عسگریین (علیهم السلام) غالب ارتباطات شیعه با این دو امام بزرگوار، از راه مکاتبه و یا وکلا و نمایندگان، صورت می‌گرفت. از آن رو، می‌توان گفت که حداقل در عصر دو امام هادی و عسگری (علیهم السلام)، تقویت نهاد وکالت به خاطر تمهید و زمینه‌چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده‌است. به گونه‌ای که مسعودی نقل کرده‌است: ابو الحسن عسگری (ع) از بسیاری از شیعیان به جز تعدادی اندکی در احتجاج بود و وقتی نوبت به ابی محمد امام حسن عسگری (ع) رسید با خواص خود و غیر آنان از پس پرده سخن می‌گفت مگر در زمان‌هایی که به خانه سلطان

می‌رفت (قمی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۵۹). این نحوه رفتار ایشان و پدر گرامی‌اش مقدمه‌ای برای غیبت صاحب الزمان (عج) بود تا شیعه با این وضع خو گرفته و نسبت به غیبت بیگانه نباشد و عادت بر احتجاج و استتار جاری شود

ساختار سازمان وکالت در عصر امام حسن عسگری (ع)

مرتبه اول: امام

والا ترین جایگاه در سازمان وکالت بر عهده امام حسن عسگری (ع) بود. اموری مانند تعیین وکیلان و معرفی آنان به شیعیان، نظارت بر عملکرد آنان، تأمین مالی وکلا، عزل وکلای خائن و فاسد، معرفی جریان‌های مدعیان وکالت و باییت و برخورد قاطع با آنان از عمده‌ترین مسئولیت‌های ایشان به عنوان رهبر سازمان بود.

مرتبه دوم

وکیل ارشد یا باب: پس از امام مرتبه بعدی مربوط به سر وکیل یا باب آن حضرت (ع) بود. عثمان بن سعید عمری در رأس سلسله مراتب وکلا امامین عسگریین و اولین نایب و باب ناحیه مقدسه در عصر غیبت صغری بوده‌است. او مدیریت امور داخلی و روابط بین سازمان و شعب آن در نواحی دور دست، دقت در دریافت اموال و نظارت بر کار وکلا را بر عهده داشت. حضرت (ع) در توقیع شریف به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری می‌فرماید: هر آنچه که از نواحی مختلف برای ما ارسال می‌شود در نهایت امر به دست عمری می‌رسد تا به ما برساند (کشی بی‌تا، ح ۱۰۸۸: ۵۸۰) این سخن حکایت از آن دارد که نظارت بر کار تمامی وکلا در این عصر بر عهده عمری است و او در حقیقت واسطه آنان با حضرت (ع) محسوب می‌شده‌است. او کار وکالت را در پوشش روغن-فروشی انجام می‌داد و به جهت تقیه و ترس اموال و نامه‌هایی را که شیعیان به وی تحویل می‌دادند در ظروف و خیک‌های روغن حمل و به امام تحویل می‌داد.

مرتبه سوم: وکلای نواحی

پس از وکیل ارشد، وکلای نواحی قرار داشتند. براساس شواهد تاریخی، چهار منطقه اصلی از نظر سازمان وکالت برای شیعیان وجود داشت. ناحیه نخست بغداد، مدائن و کوفه. ناحیه دوم بصره و اهواز. ناحیه سوم قم، همدان و مناطق جبال؛ و ناحیه چهارم حجاز، یمن و مصر

(جاسم، ۱۳۸۵: ۱۳۷) که این وکلا در نواحی مهم مستقر شده بودند و یک ناحیه تحت سرپرستی آنان قرار داشت. که در ذیل به این وکیلان اشاره می‌کنیم.

۱. در کوفه: ایوب بن نوح بن دراج نخعی

نجاشی بر وکالت او برای امام هادی و امام عسگری تصریح کرده و درباره‌اش چنین تعبیری **دارد:** ایوب بن نوح بن دراج نخعی، وکیل ابوالحسن امام هادی و ابومحمد امام عسگری و نزد آنان دارای منزلتی بس عظیم و مورد اعتماد و دارای درجات والایی از ورع و تقوی و عبادتش بسیار و مورد وثوق بود (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۰۲). با توجه به سابقه حضور خاندان ایوب بن نوح در کوفه، وی نیز در کوفه وکیل آن حضرت بود. او یکی از وکلا ارشد دو معصوم محسوب می‌شود و نقش ارتباطی بین آن دو بزرگوار و وکلای برخی از نواحی را ایفا می‌کرده‌است.

۲. در اهواز: ابراهیم بن مهزیار

او از اصحاب امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام عسگری (ع) است. طبرسی بر وکالت وی و پسرش محمد تصریح کرده‌است (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۵۹). وی در اوایل غیبت و پس از شهادت امام عسگری تصمیم گرفت اموالی را که در نتیجه وکالت در نزد او جمع شده بود از مسیر آبی به بغداد برساند ولی پس از سوار شدن بر کشتی احساس کرد که لحظات وفاتش فرار رسیده لذا از فرزندش محمد خواست او را بازگرداند و خود اموال را به بغداد ببرد.

۳. در همدان: علی بن ابراهیم بن محمد همدانی

ابراهیم بن محمد؛ با امام رضا، امام جواد و امام هادی (علیهم السلام) هم عصر بود. در یکی از نامه‌های امام جواد (ع) خطاب به او به عنوان وکیل آمده‌است: «به دوستانم در همدان نامه نوشتم و در آن نامه به آنان دستور دادم که از تو پیروی کنند و به آن‌ها تذکر دادم که جز تو من نماینده‌ای در همدان ندارم (کشی، همان، ج ۲، ح ۱۱۳۶: ۸۶۹). وی تا عصر امام هادی وکیل بود و پس از ایشان فرزندش علی در امور وکالت در همدان جانشین پدر شد.

۴. در قم: احمد بن اسحاق اشعری

در تاریخ قم از وی به عنوان وکیل امام عسگری (ع) در امور موقوفات قم یاد شده‌است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۱)؛ اما وکالتش برای امامین عسگریین از قرائنی غیر از آنچه از تاریخ قم نقل شد

قابل استفاده است. در دلائل الامامۀ آمده است؛ احمد بن اسحاق اشعری قمی وکیل امام عسگری است؛ و امام پیش از رحلتش او را به وکالت صاحب الزمان (عج) نیز معرفی کرد، حضرت حجت (عج) توقیعاتش را به او می سپرد و احمد بن اسحاق آن توقیعات را به دوستان حضرتش می رساند (طبری، بی تا: ۵۰۳).

۵. در ری: احمد بن اسحاق رازی

در نامه امام عسگری (ع) به اسحاق بن اسماعیل، به وکالت او تصریح شده است: ای اسحاق، بر تو و بر همه دوستانم سلام. خداوند همه شما را به توفیق خویش استوار گرداند. هر کس که این نامه ام را بخواند و از انحراف و کژی به حق بگردد باید حق ما را به ابراهیم بن عبده بسپارد و او موظف است که آن را به احمد بن اسحاق رازی برساند یا به هر کس که احمد به او معرفی کرده است و این رأی و دستور من است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰: ۳۲۲). منطقه وکالت او ناحیه ری است. و از کلام حضرت می توان استنباط کرد با توجه به اینکه وکیل نیشابور مأمور تماس با رازی بوده پس رازی وکیل ارشد ناحیه خود بوده و بر کار وکلای مناطق شرقی نیز نظارت داشته است.

۶. در نیشابور: ابراهیم بن عبده نیشابوری

ایشان یکی دیگر از وکلای مورد اعتماد امام عسگری، و از اصحاب امام هادی به حساب می آیند. حضرت (ع) در ضمن تأیید وکالت او در پیامی به دوستان و شیعیان نوشت: نامه ای برای ابراهیم بن عبده فرستادم و در آن ایشان را به نمایندگی خویش معرفی نمودم، تا حقوقم را از دوستانم دریافت دارد و به من برساند. آن نامه از ناحیه من و به خط من است او را به نمایندگی خویش برگزیدم تا در شهر شما به وظیفه خویش عمل کند. او باید تقوای الهی را رعایت کند و شما وظیفه دارید حقوق شرعیه را به او بسپارید. من به او اجازه دادم که آن را در امور مشروع مصرف کند (کشی، همان، ح ۱۰۸۹: ۵۸۰). همان گونه که پیش تر در ذکر احوال احمد بن اسحاق رازی گذشت. مشخص می شود که ابراهیم بن عبده وکیل سرشناس امام (ع) در نیشابور، بیهق و نواحی مجاور بود و سایر وکلای این ناحیه می بایست با وی در ارتباط باشند و او نیز ارتباط خود را با رازی محفوظ دارد.

۷. در مرو: ابو علی محمد بن احمد بن حماد مروزی محمودی

وی از اصحاب امام جواد و امامین عسگرین (علیهم السلام) است و از نامه امام عسگری (ع) به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری استنباط می شود؛ که او در عصر امام عسگری (ع) وکیل آن جناب

بوده‌است؛ در این نامه خطاب به اسحاق بن اسماعیل آمده‌است: ای اسحاق! نامه را برای بلال بخوان؛ چرا که مورد وثوق و امین نسبت وظایفش می‌باشد؛ و آن را همچنین بر محمودی بخوان که اطاعت وی از ما ستودنی است؛ و هنگامی که وارد بغداد شدی آن را بر دهقان بخوان (همان، ح ۱۰۸۸: ۵۷۹). در این بخش از توقیع، امام عسگری(ع) دستور قرائت نامه را بر کسانی می‌دهد که جزء وکلای آن جانب هستند، نظیر بلال و دهقان؛ و از این رو وکالت محمودی از ناحیه آن حضرت، بدین وسیله تأیید می‌شود

۸. در مکه: علی بن جعفر همایی برمکی

او از وکلای مکه بود (کشی همان ح ۱۱۲۹: ۶۰۷). شیخ طوسی او را از اصحاب امام هادی(ع) و امام عسگری(ع) برشمرده و تصریح به وکالتش برای آن دو بزرگوار نموده‌است؛ و در رجال خود در ذیل اصحاب امام عسگری(ع) درباره‌اش تعبیر «قیّم لأبی الحسن ثقة» را بکار برده‌است (طوسی، بی‌تا: ۴۰۰). پس از شهادت امام هادی(ع) و انتقال امر امامت به امام عسگری(ع) او همچنان در سمت وکیل ارشد به انجام وظیفه خود ادامه داد و حلقه واسطه بین وکلای سایر نواحی و امام عسگری بود. ابوجعفر عمری می‌گوید: ابوطاهر بن بلال، در سفر حج دید علی بن جعفر پول‌های زیادی انفاق می‌کند. پس از بازگشت در نامه‌ای موضوع را به امام حسن عسگری(ع) گزارش کرد. ایشان در پاسخ نوشت: که ما دستور پرداخت دویست هزار دینار را به او دادیم. ولی او تنها نیمی از آن را پذیرفت، مردم حق ندارند در اموری که ما اجازه اظهارنظر و مداخله در آن‌ها را به آنان نداده‌ایم دخالت کنند (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۵۰).

۹. در بغداد: علی بن ریان بن صلت

از وکلای بغداد می‌توان به علی بن ریان بن صلت بغدادی خراسانی اشاره کرد. نام علی بن ریان ضمن اصحاب امام هادی(ع) و امام عسگری(ع) ذکر شده‌است (شهید ثانی، ۱۴۱۱: ۳۸۰) و تعبیر ثقة وکیل نیز درباره او بکار رفته‌است (همان).

مرتبه چهارم: وکلای محلی

در پایین‌ترین سطح سازمان وکالت، وکلای مستقر در شهرهای مختلف بودند که با افراد عادی در ارتباط و در انتخاب این افراد معمولاً توان اجرایی و محلی بودن آنان در نظر گرفته می‌شد. این وکلا بازوی اجرایی سازمان و با شیعیان در ارتباط مستقیم بودند (جباری و ملبوبی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

۱. محمد بن احمد بن جعفر قمی عطار قطن

ایشان یکی دیگر از وکلای امام حسن عسگری (ع)، است. منطقه وکالت وی با توجه به ذکر لقب قمی احتمالاً ناحیه قم بوده باشد. شیخ طوسی در رجال، وی را از یاران و وکیل امام عسگری (ع) شمرده و می گوید: «محمد بن احمد بن جعفر (جعفری) قمی وکیل آن حضرت بود و ابوالحسن (امام هادی) را درک نمود (طوسی، بی تا: ۴۰۲). لقب قطن از آن رو به وی داده شده بود که او به صورت ظاهر و برای پوشش فعالیت هایش در سازمان وکالت، به شغل پنبه فروشی می پرداخت و وجوه شرعی و نامه های شیعیان و امام (ع) را در میان محموله های پنبه دریافت و یا ارسال می کرد (جاسم، همان: ۱۵۰).

۲. قاسم بن علاء آذربایجانی

ایشان یکی دیگر از وکلای امام حسن عسگری است. محدث نوری پس از ذکر نام وی تعبیر وکیل ابی محمد را آورده است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷: ۵۳۸). در برخی از کتب رجالی معاصر به این نکته توجه شده است که لقب قاسم بن علاء، «همدان» (به سکون میم) است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۳۲۹) که از قبیله همدان و ساکن آذربایجان بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۷۶). اما اگر به فتح میم نه سکون (همدان) لقب داده شود، آن چنان که محقق اردبیلی معتقد به وحدت قاسم بن علاء آذربایجانی با قاسم بن علاء همدان است احتمال وکالت وی در همدان نیز می رود (جباری، ۱۳۸۲: ۱۲۴)؛ و امکان دارد که وی قبل از انتقال به آذربایجان مدتی در همدان به وکالت مشغول بوده باشد.

۳. ایوب بن ناب

ایوب بن ناب نیز وکیل امام عسگری (علیه السلام) در نیشابور بود. ولی معاشرت او با غلات موجب مخالفت فضل بن شاذان از علمای معروف شیعه در منطقه با او شده، فضل و گروه شیعیان هوادار او از دادن حقوق شرعی به این نماینده اجتناب و او را طرد کردند. از این رو وکیل مزبور و گروه شیعیان هوادارنش مراتب شکوه خود را از فضل به حضرت (ع) ابلاغ نموده و یادآور شدند که فضل در اصالت وکالت او تردید روا داشته و مردم را از دادن حقوق شرعی به او منع کرده است. لذا توقیع عتاب آمیزی از سوی امام عسگری صادر و صحت وکالت وکیل مزبور را تأیید و فضل نیز به سبب این کار مورد ملامت قرار گرفت (کشی، همان: ۵۴۳).

۴. جعفر بن سهیل صیقل

شیخ طوسی او را از اصحاب امام عسگری و تصریح به وکالتش برای امام هادی(ع)، امام عسگری(ع) و حضرت حجت(عج) نموده است (طوسی، بی تا: ۳۹۸).

۵. ابو طاهر محمد بن علی بن بلال

او از اصحاب امام هادی(ع) و وکیل امام حسن عسگری(ع) است. وی تا پیش از وفات امام حسن عسگری(ع) دارای اعتقادی سالم و امام(ع) او را در توقیعات خود با عناوینی همچون «راستگو» و «آگاه به واجبات» ستوده است ولی سرانجام منحرف و انحراف او در عصر غیبت آشکار شد به این گونه که نیابت نایب دوم حضرت مهدی(عج) را منکر شد؛ و درباره اموالی که نزد وی جمع شده بود تا به امام زمان(عج) برساند، خیانت کرد(طوسی، ۱۴۱۱، ۴۰۰).

۶. احمد بن هلال کرخی

او از دوران امام رضا (علیه السلام) تا سال هفتم غیبت صغرا را درک کرد؛ و جزء وکلای عسگرین (علیهم السلام) بود. وی پس از وفات امام یازدهم، اگر چه امامت حضرت حجه بن الحسن (عج) و نیابت نایب اول او، یعنی عثمان بن سعید عمری، را پذیرفت، ولی در ادامه، از پذیرفتن نیابت نایب دوم ایشان، یعنی محمد بن عثمان خودداری نمود و به همین دلیل، توقیعی در لعن و طرد او از ناحیه مقدسه صادر گردید. شیخ طوسی نام وی را در بخش وکلای مذموم در عصر غیبت آورده است اما به علت مذموم بودن او و صدور توقیع ناحیه مقدسه در تبری از وی اشاره ای نکرده است (همان: ۳۷۳).

۷. ابوهاشم داود بن قاسم جعفری

بنا به گفته شیخ طوسی در الفهرست وی چهار تن از ائمه یعنی امام رضا و جواد و هادی و عسکری (علیهم السلام) را درک کرده است (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۲۴). از آنجا که شیخ او را اهل بغداد دانسته است طبعاً منطقه وکالت وی در عصر عسگرین نیز در این شهر و منطقه بوده است.

۸. محمد بن صالح بن محمد همدانی

او پس از پدرش صالح بن محمد از طرف امام حسن عسگری(ع) و پس از آن نیز توسط حضرت حجت(عج) به عنوان وکیل ایشان در امور مردم و ارتباط دهنده آنان با امام قرار داشت

علامه حلی ضمن آوردن نام وی در ردیف اصحاب امام عسگری (ع) چنین تعبیری درباره‌اش دارد: «محمد بن صالح بن محمد الهمدانی الدهقان، من أصحاب العسکری علیه السلام، وکیل» (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۲۴۳). با توجه به ذکر لقب همدانی برای پدر و پسر قاعدتاً منطقه وکالت و فعالیتشان می‌بایست همدان بوده‌باشد.

۹. احمد بن محمد بن مطهر

شیخ صدوق با لفظ «صاحب ابی محمد (علیه‌السلام)» احمد بن محمد بن مطهر را مدح نموده (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۴: ۵۰۸)، که ظهور دارد در این که این شخص قیم امور امام عسگری (علیه‌السلام) بوده که کاشف از فوق عدالت است.

۱۰. ابو جعفر محمد بن عثمان سعید

محمد همراه پدرش عثمان بن سعید وکالت امام حسن عسگری (ع) را بر عهده داشت و مورد اعتماد او بود. چنان‌که ضمن روایت آن حضرت چنین آمده: «العمری و ابنه ثقتان، فما اديا اليكه فعنى يؤديان وما قالوا لك فعنى يقولان، فاسمع لهما و اطعهما فانهما ثقتان المامونان» (مامقانی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۳۷) و (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۴). عمری و پسرش هر دو ثقه و مورد اعتمادند. هر چه رسانند از طرف من می‌رسانند و هر چه گویند از من است. به حرف آنان گوش و از آنان پیروی کن که آنان ثقه و امین‌منند. وی بعد از وفات پدرش به جای او نشست و به وکالت و نیابت خاص از ناحیه‌ی مقدسه منصوب شد. برخی همچون علامه حلی ضمن اشاره به شرح حال وی دوران نیابت او را حدود پنجاه سال ذکر کرده‌اند (علامه حلی، همان: ۲۵۱). البته این سخن در صورتی قابل قبول است که مراد علامه را اعم از دوره غیبت و دوره امامت امام عسگری بدانیم. بنابراین اگر وی در سال شروع امامت امام حسن عسگری (ع) یعنی سال ۲۵۴ ق به وکالت مشغول شده‌باشد تا سال ۳۰۵ ق معادل پنجاه سال عهده‌دار وکالت بوده‌است.

۱۱ و ۱۲. حسن بن نضر قمی و ابو صدام

روایتی از کلینی نقل می‌کنیم که، حاکی از وکالت این دو تن از جانب امام حسن عسگری (ع) است؛ و بعید نیست که پس از شروع غیبت نیز وکالتشان از سوی ناحیه مقدسه تنفیذ و ادامه فعالیت داده‌باشند. حسن بن نضر و ابو صدام و گروهی دیگر از وکلا پس از درگذشت امام عسگری (علیه السلام)، درباره آنچه در دست وکلا ایشان بود، گفتگو کردند و در پی کاوش از

حقیقت امر بودند، که حسن بن نصر نزد ابو صِدام آمد و گفت: قصد حج دارم. آن گاه به احمد بن یعلی وصیت کرد و مالی از آن ناحیه‌ی مقدّسه را به او سپرد و به او دستور داد که چیزی از آن را بیرون نیاورد، مگر آن که پس از ظهور [حجّت] به دست او بسپارد. حسن می‌گوید: هنگامی که به بغداد رسیدم، خانه‌ای کرایه کردم و در آن ساکن شدم. یکی از وکیلان، لباس و دینارهایی نزد من آورد و پیش من نهاد. به او گفتم: این چیست؟ گفت: همان که می‌بینی! سپس وکیل دیگری، مانند آن را آورد تا آن که خانه را پر کردند، و سپس احمد بن اسحاق، همه آنچه را با خود داشت، نزد من آورد. شگفت‌زده و اندیشناک شده بودم که برگه امام (عج) به من رسید: «هنگامی که فلان مقدار از روز گذشت، آنچه را همراه داری، بیاور...» (جباری، ۱۳۸۲: ۵۶۹). از این روایت می‌توان وکالت هر دو نفر را استنباط کرد. زیرا در ابتدا روایت تصریح شده که حسن بن نصر و ابوصدام نسبت به اموال موجود در دست وکلا دچار تردید شدند! و این دغدغه را کسی دارد که خود وکیل باشد. به علاوه تحویل اموال توسط سایر وکلا به خصوص احمد بن اسحاق به وی در بغداد نیز از دیگر قرائن دال بر وکالت حسن بن نصر است علاوه بر آن با توجه به این که شیخ صدوق تصریح دارد که حسن بن نصر از اهل قم بوده است (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ۴۴۳) منطقه وکالت و فعالیت وی نیز مشخص می‌شود.

۱۳. اسحاق بن اسماعیل نیشابوری

شیخ طوسی در کتاب رجال وی را از اصحاب امام عسگری (ع) شمرده و می‌گوید وی ثقة است (طوسی، بی‌تا: ۳۹۷)؛ او پس از وفات عسگری (ع) با سفراء امام دوازدهم (ابواب اربعه) مکاتبت داشته‌است. نامه‌ای از امام حسن عسگری (ع) خطاب به وی در کتب رجال ثبت است که در آن نامه حضرت وی را همراه با ابراهیم بن عبده نیشابوری، وکیل خود تعیین کرده و به اهل نیشابور سلام رسانده‌است. این نامه در کتب روایی از جمله «تنقیح المقال» آمده‌است (مامقانی، همان، ج ۴: ۱۶۲).

۱۴. عبدالله بن حمدویه بیهقی

وی از دیگر وکلای حضرت (ع) در بیهق و نیشابور بود (جمال فرزند وحی و فرشته دارابی، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

مرتبه پنجم؛ وکیل قاصد

برخی از وکلا علاوه بر انجام امور شخصی امام حسن عسگری (ع) مسئولیت دریافت و ارسال نامه‌های حضرت (ع) را نیز برعهده داشتند مانند:

۱. ابوالادیان

ارسال برخی از نامه‌ها حضرت (ع) را فردی با کنیه غریب ابوالادیان که خادم امام بود بر عهده داشت. ابوالادیان می‌گوید: من نامه‌رسان امام عسگری (ع) به سایر شهرها بودم. روزی به حضورشان شرفیاب شدم. نامه‌هایی را که نوشته بودند به من دادند و فرمودند: اینها را به مدائن ببر و به افراد معینی بده و جواب بگیر. آنگاه فرمود: این سفر تو پانزده روز طول می‌کشد. روز پانزدهم، وارد «سُرَّ مَن رَأَى» (سامرا) می‌شوی و می‌بینی صدای شیون از خانه من بلند است و غسل دارد بدنم را غسل می‌دهد. من از شنیدن این سخن بسیار متأثر شدم و گفتم: مولای من، اگر این حادثه پیش آمد، امام بعد از شما کیست؟ فرمود: کسی که جواب این نامه‌ها را از تو طلب کند، امام بعد از من است. گفتم: مولای من، علامت دیگری بفرمایید. فرمود: آنکه بر جنازه من نماز بخواند، امام است (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ۴۷۵).

۲. عقید

عقید، خادم خاص امام حسن عسگری، که حضرت (ع) او را از کودکی بزرگ کرده و حامل بسیاری از نامه‌های ایشان به شیعیان بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۷۲).

مرتبه ششم؛ وکیل مبلغ: در میان اصحاب ائمه برخی از شاگردان، فقیه، محدث و متکلم بودند و به عنوان مبلغ مذهب اهل بیت به منظور ترویج فقه به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند؛ و محل رجوع شیعه و پاسخ‌گویی شبهات و سؤالات دینی آنان را برعهده داشتند. از جمله:

۱. فضل بن شاذان نیشابوری

وی از فقها و متکلمین عصر عسگرین است. تألیفاتی بالغ بر صد و هشتاد کتاب در علوم مختلف از جمله فقه، کلام، منطق، فلسفه، لغت، تفسیر و دیگر علوم نگاشته است (نجاشی، همان: ۳۰۷). او از شخصیت‌های برجسته نیشابور است که پیشوای یازدهم، برخی تألیفات وی را تأیید، و فرموده- است: «صحيح و شایسته است که به مطالب آنها عمل شود» ایشان، درباره این شخصیت فرمود: «أَغْبَطُ أَهْلَ خُرَّاسَانَ لِمَكَانِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ وَ كَوْنِهِ بَيْنَ أَظْهَرِهِمْ» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۸: ۷۲).

من به سبب موقعیت فضل بن شاذان و حضورش در میان اهل خراسان، به آن‌ها غبطه می‌خورم. با توجه به تمجیدهای امام حسن عسگری از ایشان احتمالاً وی در خراسان مسئولیت پاسخ‌گویی به سوالات دینی و شبهات شیعیان را عهده‌دار بوده‌است.

وکیل مذموم

عروه بن یحیی

معروف به دهقان که قبلاً در نامه امام به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری توثیق شده و از وکلای امام در بغداد بود. به خاطر دروغ‌هایی که به امام هادی و عسگری (علیهم السلام) نسبت داد گرفتار لعن و طرد از طرف امام عسگری (ع) گردید. آن حضرت دستور داد تا همه شیعیان او را لعن و نفرین کنند و از او دوری نمایند زیرا او در سمت مسئول خزانه‌داری امام، اموالی را از خزانه اختلاس کرده به خود اختصاص داده بود (کشی، همان: ۵۷۳). توقیعاتی که در چنین زمینه‌هایی از طرف امام صادر می‌شد به سرعت و به طرز شگفت‌آوری در میان شیعیان شایع می‌شد و بدین ترتیب همه آن‌ها از مضمون توقیع آگاهی یافته و بلافاصله شخص مورد نظر امام، از جامعه شیعه طرد می‌شد.

۶- کارکردهای نهاد وکالت

۱. دریافت وجوه شرعی: با افزایش شیعیان، منابع و نیازهای مالی به طور هم‌زمان افزایش می‌یافت. برای جمع‌آوری این منابع باید شبکه‌ای از نمایندگان تشکیل می‌شد تا این وجوه را از پیروان جمع‌آوری و به امام (ع) تحویل دهند، ضمن آن‌که پس از آن نیز می‌بایست طبق دستورات امام به توزیع آن در جهت اهداف سازمان اقدام کنند. اهمیت این کار به اندازه‌ای بود که گاه هدف از تأسیس سازمان وکالت را جمع‌آوری وجوه شرعی، اعم از خمس، زکات، هدایا و نذورات شیعیان دانسته‌اند (جباری محمد رضا و محمد کاظم ملبوبی، ۱۳۸۹: ۹۳). برای مثال، همان‌گونه که پیش‌تر ذکر کردیم احمد بن اسحاق اشعری، در رسیدگی به امور وقفی در «قم» وکالت داشت. این وجوه، عمده‌ترین منبع مالی سازمان شمرده می‌شد. امامان (ع) می‌توانستند با استفاده از این سازمان، هزینه‌های لازم برای انجام امور شیعیان را تأمین کنند.

۲. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان: یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل سازمان وکالت، تعلیم معارف اهل‌بیت به شیعیان و ارشاد آنان به حق، در عصر حیرت و بروز تردیدها و شبهات بود. البته همه وکلا از جهت علمی و معرفتی در یک سطح نبودند. در میان وکلا، برخی

آنچنان از نظر علمی و آشنایی با معارف و احکام برجسته بودند که امامان شیعه افراد را به آنان ارجاع می‌دادند تا معالم دینی و وظایف شرعی خود را از آن‌ها جویا شده و فرا بگیرند؛ وکلا مهم‌ترین مرجع و ملجأ در حل معضلات علمی و اعتقادی شیعیان بودند. آنان گاه این وظیفه را شخصاً و گاه از طریق اخذ و ارسال نامه‌های حاوی سؤالات شیعیان به معصومین و متقابلاً تحویل پاسخ آن‌ها به شیعیان انجام می‌دادند (اکبری مقدم، ۱۳۹۳: ۶۵). به عنوان مثال عثمان بن سعید پس از شهادت امام عسگری با رهبری سازمان وکالت و ایفای نقش ارشادی خود توانست بسیاری از شیعیان را از حیرت نجات بخشیده و بر قبول امامت حضرت مهدی (عج) راهنمایی کند (مجلسی همان: ۳۵۰).

۳. نقش ارتباطی نهاد وکالت با مردم: وکلا - به عنوان رابطین امام در شهرهای مختلف - به پرسش‌های شرعی، کلامی و اعتقادی مردم پاسخ می‌دادند مکاتبات و نامه‌ها را به محضر امام می‌رساندند و پاسخ‌های شفاهی را دریافت می‌کردند (پور سید آقائی و دیگران، همان: ۴۴). با چنین کارکردی امام حسن عسگری (ع)، نمایندگان مورد اعتمادی را منصوب کرد تا، رابطه میان آن حضرت و مردم برای حل مشکلات دینی و دنیوی شیعیان باشند. این مطلب از نامه‌ای که ایشان به «احمد بن اسحاق اشعری» نوشت و در آن، نماینده مورد اعتماد و امین خود، «عثمان بن سعید عمری» را مورد تأیید و حمایت قرار داد، برمی‌آید؛ همان‌گونه که ذکر آن گذشت امام عسگری (ع)، در آن نامه فرمود: «عمری مورد وثوق من است آنچه به شما برساند از من رسانده و آنچه به شما گوید از من گفته پس از او بشنو و اطاعت کن زیرا او مورد وثوق و امین است»

۴. نقش سیاسی نهاد وکالت: اهتمام حاکمیت عباسی در عصر غیبت برای شناختن اعضای نهاد وکالت، نشان از وجود نقش سیاسی این نهاد دارد. از مؤیدات وجود نقش سیاسی برای این نهاد و اعضای آن، شرکت مستقیم یا غیرمستقیم اعضای این نهاد در قیام‌هایی است که بر ضد حاکمیت عباسی شکل می‌گرفت. کار ویژه سیاسی سازمان وکالت را می‌توان در ابعاد ذیل مورد بررسی قرار داد.

۱. عدم مشروعیت نظام حاکم: از دیدگاه شیعه امامیه تنها مبنی مشروعیت، نصب خلیفه از جانب خداوند می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) جانشینان بعد از خود را معرفی کرده بود و بر طبق فرمایش ایشان تنها اطاعت از ائمه دوازده‌گانه، واجب است. تلاش سیاسی ائمه در برابر قدرت حاکم به طور عمده در محدوده نارضایتی از حکومت موجود؛ عدم مشروعیت آن و ادعای امامت و رهبری اسلام در خاندان رسول خدا (ص) بود. از آن‌جا که چنین اندیشه‌ای در تقابل با حکام

جور قرار داشت آنان در مقاطع مختلف تاریخی تلاش می‌کردند که از انتشار تفکر شیعی جلوگیری کنند.

۲. آگاه‌سازی مردم از موضع امام در رخ‌داده‌های سیاسی: سقوط بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس یکی از مهمترین حوادث در دوران امام صادق (ع) بود. کار اصلی دعوت بنی‌عباس به دست ابومسلم خراسانی و ابوسلمه خلال انجام شد که نقش منحصر به فرد در استقرار حکومت عباسی داشتند (طوقش، ۱۳۹۰: ۶۵). ابومسلم نامه‌ای را خدمت امام صادق (ع) نوشت و در آن این مطلب را قید کرد که: «من مردم را از دوستی بنی‌امیه به دوستی اهل بیت دعوت کردم و تبلیغ نمودم که بنی‌امیه را ترک کنند و به اهل بیت بپیوندند، پس اگر می‌پذیری کاری دیگر بر عهده تو نیست» (شهرستانی، ۱۲۶۴ش، ج ۱: ۱۷۹). اما از آن‌جا که سیاست امام، سیاست فرهنگی و پرورش اصحابی بود که بتوانند حامل فقه آل محمد (ص) باشند. در حوادث سیاسی آن روز به صورت نظامی وارد نگردید و تنها با اظهار نارضایتی خود در پاسخ مرقوم داشت: «ما أنت من رجالی و لا الزمان زمانی» نه تو از داعیان من هستی و نه زمان زمان من است (همان). این موضع‌گیری‌ها به سرعت توسط شبکه ارتباطی وکالت در جامعه شیعه آن روز منتشر گشته و افکار عمومی جامعه شیعه را جهت بخشید.

۳. نفوذ در دستگاه حکومت: هر چند ائمه پیروان خود را از همکاری با قدرت حاکم باز می‌داشتند؛ و تربیت و گسترش معارف دینی از اهداف عمده آنان بود، اما هرگاه توانایی خدمت را در اصحاب خود می‌دیدند آن‌ها را تشویق می‌کردند که وارد دستگاه حکومت شوند. به عنوان نمونه علی بن یقطین از وکلای امام موسی کاظم بود که به دستور ایشان وارد دستگاه خلافت، و عهده‌دار مقام وزارت شد (ادیب، ۱۳۸۷: ۱۱۱). چون پدرش از طرفداران بنی‌عباس بود و در پیروزی آن‌ها نقش اساسی داشت، او با استفاده از این جایگاه سیاسی و اجتماعی، وارد دستگاه حکومت عباسی شد. هدف امام از ترغیب او به این کار، حفظ جان، مال و حقوق شیعیان بود؛ و فرمود: «ان الله مع کل طاعیه وزیرا من اولیائه یدفع به عنهم و انت منهم یا علی» خداوند به همراه هر سرکشی، وزیری از میان اولیای خود دارد که به وسیله او از دوستان خود، دفع بلا می‌کند، و تو از آنان هستی ای علی (کشی، همان: ۴۳۵).

۴- مساعدت به نیازمندان: یکی دیگر از سیاست‌های بنی‌عباس که بیشتر انگیزه سیاسی داشت؛ اعمال فشار اقتصادی بر مردم و محرومیت نگه‌داشتن آنان بوده‌است این فشارها بیشترین آسیب را

به جامعه شیعه وارد می‌ساخت. از این رو ائمه از طریق سازمان وکالت با کمک‌های اقتصادی تلاش می‌کردند تا بخشی از آسیب‌ها را جبران سازند.

نتیجه

شرایط بحرانی که ائمه (ع) در زمان عباسیان با آن رو به رو بودند ایشان را واداشت تا ابزاری جدید، برای ارتباطات با اعضای جامعه‌ی خود جستجو کنند. نظام وکالت از زمان امام باقر آغاز به کار و تا عصر غیبت کبری به فعالیت خود ادامه داد. اجرای فرامین امام حسن عسگری در مناطق مختلف قلمرو اسلامی توسط وکلا در تقویت و گسترش آن، نقش اساسی داشت. حفظ و استمرار سنت نبوی از طریق ارتباط صحیح وکلا با مردم و جلوگیری از انحراف آن توسط حاکمیت و برخی عاملان وابسته به آن، آگاهی بخشی مستمر به عموم مسلمانان علی‌رغم وجود محدودیت‌های گسترده، معرفی حضرت حجت (عج) به عنوان جانشین امام (ع) از نقش‌های کارآمد و حساس نهاد در این عصر است.

وکلائی منصوبی حضرت در چند سطح تقسیم می‌شوند و هر یک از سطوح وظایفی را دنبال می‌کردند؛ و امام در بالاترین سطح سازمان قرارداداشت. در این سلسله مراتب، سطح پایین‌تر از سطح بالاتر فرمان می‌برند و ارتباط حضوری با امام کمتر بود به گونه‌ای که گاه ارتباط مستقیم با حضرت تنها برای وکیل ارشد امکان‌پذیر بود. از مجموعه نمایندگان امام حسن عسگری تنها ۳/۷ درصد مورد لعن ایشان قرار گرفتند. خلاصه این‌که همه وکلای امام در حین تصدی وکالت مورد وثوق و اعتماد ایشان بودند و اگر نماینده‌ای چون عروه بن یحیی، بعدها از دین حق منحرف گشت هیچ گونه ایرادی بر امام نیست زیرا ملاک در واگذاری مناصب، حال کنونی افراد است.

منابع

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۵۹)، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲. _____ (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.

۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی تا. المناقب، مصحح: هاشم رسولی محلاتی و محمد حسین آشتیانی، قم: علامه.

۴. ابن فارس، احمد بن فارس، بی تا، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ادیب، عادل، (۱۳۸۷)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما ائمه دوازده گانه، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. اسلامی، احمد (۱۳۸۲) از خاتمیت تا غیبت نگاهی به زندگانی چهارده معصوم(ع) قم، میثم تمار.
۷. اکبری مقدم، لاله، (۱۳۹۳)، «ساختار سازمان وکالت در عصر امام هادی و کارکردهای آن»، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره نوزده، ص: ۷۱-۴۳.
۸. پور سید آقایی، مسعود؛ منذر حکیم، محمد رضا جباری و حسن عاشوری، (۱۳۸۳)، تاریخ عصر غیبت نگاهی به عصر غیبت امام دوازدهم (عج)، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.
۹. جاسم، حسین، (۱۳۸۵)، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، مترجم: محمد تقی آیت اللهی، تهران: امیر کبیر.
۱۰. جباری، محمد رضا، (۱۳۸۲)، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۱. جباری محمد رضا و محمد کاظم ملبوبی، (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت عباسیان (ساختار تشکیلاتی و وظایف سازمانی)، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال دهم، شماره سی و هفت، ص: ۱۵۶-۱۲۳.
۱۲. _____، (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی سازمان دعوت عباسیان و سازمان وکالت امامیه (مراحل شکل گیری و عوامل پیدایش)، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، سال هفتم، شماره سوم، ص: ۷۵-۱۰۴.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محقق: محمد رضا حسینی جلالی، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
۱۴. خمینی، روح الله، (۱۳۷۹)، تحریر الوسیله، قم: دارالعلم.

۱۵. زجاجی مجرد، مجید، (۱۳۷۸)، حماسه تاریخی مشهد اردهال، تهران: سبحان.
۱۶. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۱۸)، موسوعه طبقات الفقهاء، قم: موسسه الامام الصادق (ع).
۱۷. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، (۱۲۶۴ش)، الملل و النحل، قم، الشریف الرضی.
۱۸. شهید ثانی، حسن بن زین الدین (صاحب المعالم)، (۱۴۱۱)، التحریر الطاووسی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی.
۱۹. شیخ مفید (۱۴۱۳)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۶)، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث . ۲۱. طوسی، محمد بن جریر، بی تا، دلائل الامامه، قم: دارالذخایر.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷) الفهرست، تصحیح و تعلیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: المكتبه المرتضویه و مطبعته.
۲۳. _____، ۱۴۱۱، الغیبه للحجه، قم: دار المعارف اسلامی.
۲۴. _____، بی تا، رجال الطوسی، تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۵. طقوش، محمد سهیل، (۱۳۹۰)، دولت عباسیان، ترجمه حجت اله جودکی؛ با اضافاتی از رسول جعفریان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۷)، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، تحقیق: جواد القیومی بی جا، مؤسسه نشر الفقاهه.
۲۷. فرزند وحی، جمال و دارابی، فرشته، (۱۳۹۰)، «نقش امام حسن عسکری علیه السلام و اصحاب ایشان در حدیث امامیه»، فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دهم، شماره سی و هفت، ص: ۱۳۷-۱۲۲

۲۸. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۹)، الخرائج و الجرائح، قم: موسسه الامام المهدي (ع).

۲۹. قمی، حسن بن محمد، (۱۳۶۱)، تاریخ قم، ترجمه: حسن بن علی قمی، تهران: توس.

۳۰. قمی، عباس (۱۳۹۰) منتهی الآمال، تهران: مبین اندیشه.

۳۱. کشی، محمد بن عمر، بی تا، اختیار معرفة الرجال المعروف به رجال الكشي، تلخیص: محمد بن حسن طوسی، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، مرکز تحقیقات و مطالعات دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

۳۲. مامقانی، عبدالله، (۱۳۸۱)، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: موسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث.

۳۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)، بیروت، موسسه الوفاء.

۳۴. مقریزی، احمد بن علی، (۱۳۷۰)، النزاع و التخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم، تحقیق: حسین مونس، قم: الشریف الرضی.

۳۵. نجاشی، ابی العباس احمد بن علی (۱۴۱۶)، رجال النجاشی، محقق: موسی الشبیری الزنجانی، قم، موسسه النشر الاسلامی.

۳۵. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت - لبنان، موسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث.